



انترناسیونال

۲۶۸

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۰ آبان ۱۳۸۷، ۳۱ اکتبر ۲۰۰۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



مبارزه علیه اعدام، مبارزه برای سرنگونی مصاحبه نشریه انگلیسی حزب (بریفینگ) با مینا احدی

مصاحبه را تلفنی انجام داد.
مصاحبه به زبان فارسی بود و اصل
آن را در این جا مشاهده می کنید. این
مصاحبه توسط بابک کسرابی انجام
گرفته است. انترناسیونال
صفحه ۵

مطلب زیر مصاحبهای است با مینا
احدی در باره لغو اعدام کودکان و
نوجوانان در ایران که برای نشریه
انگلیسی حزب (WPI Briefing)
انجام گرفته است. مینا احدی که
عازم مسافرت به دالاس آمریکا برای
یک تور سخنرانی بود، در آخرین
ساعات حضورش در آلمان این

انقلاب اکتبر، تلقی بشر از خود را برای همیشه تغییر داد مصاحبه با کاظم نیکخواه به مناسبت سالگرد انقلاب اکتبر



انترناسیونال: ۹۱ سال از انقلاب اکتبر
گذشت. انقلابی که برای اولین بار
نظام سرمایه داری با به مصاف
طلبید و قدرت سیاسی را کسب کرد.
امروز جهان سرمایه داری در بحران
عمیقی فرورفته است و خود
ایدئولوژیهای نظام سرمایه داری
علیرغم اینکه انقلاب اکتبر را دائما
شکست خورده اعلام کرده اند، نگران
خطر بازگشت مارکس هستند.
جایگاه انقلاب اکتبر مخصوصا در
پرتو اوضاع امروز نظام سرمایه داری
چیست؟

کاظم نیکخواه

سرکوبگر حاکم را کنار بزند و جامعه
بدست اکثریت مردم اداره شود را به
عمل در آورد. بی تردید روزی که به
دوران تاریخ غیر عقلانی بشری یعنی
به تاریخ سلطه یک قشر غیر مولد و
انگل و ستمگر بر کل جوامع بشری
بطور قطع پایان داده شود، انقلاب
اکتبر نه بعنوان یک شکست بلکه
بعنوان یک گام ضروری برای تغییر
مسیر تاریخ و پایان دادن به وارونگی
اساسی جوامع انسانی مراجعه خواهد
شد که راه را برای پایان قطعی تاریخ
هزاران ساله بردگی بشر (تحت
نظامهای بردگی و فئودالیسم و
سرمایه داری) گشود. انقلاب اکتبر
نشان داد که بردگان عصر کنونی
یعنی کارگران قدرت به زیر کشیدن
ستمگران را دارند. قدرت شکست
ارتشها را دارند. قدرت تشکیل دولت

کاظم نیکخواه: قبل از اینکه به
اوضاع امروز اشاره کنم باید بگویم
انقلاب اکتبر دوره نوینی را در تاریخ
بشریت گشود که بازگشت ناپذیر
است. اکتبر آنچه را تاریخا ناممکن
قلمداد میشد که گویا مردم محروم و
فرو دست یعنی اکثریت مردم همیشه
باید فرو دست و محروم و بی اختیار
بمانند، و یک اقلیت "از ما بهتران"
باید همیشه مهار آنها را در دست
داشته باشد، را پایان داد. تاریخ پر
است از شورشهای فرودستان برای
خلاصی از فرودستی و استثمار و
ستمگری. اکتبر این آرزوی هزاران
ساله بشریت را که قشر "الیت" و
اشرافی و بی خاصیت و مفت خور و

صفحه ۲

ابعاد جهانی بحران سرمایه، و مساله گرسنگی یک میلیارد مردم دنیا
بحران چگونه به کشورهایی نظیر چین و ایران منتقل میشود؟
با یک بیستم مبلغ کمک به سرمایه دارن میشود مساله گرسنگی را در سطح جهانی حل کرد.
چرا دولتها این کار را نمیکند؟
از میان سؤالات جلسات هفتگی حمید تقوایی
صفحه ۴

جنگ "انتخابات" ثروت رژیم اسلامی و فقر مردم

در حاشیه رویدادها
محمد رضا پویا

ص ۱۰

صدای مردم در کانال جدید

صفحه ۷

علیه زن ستیزی اسلام سیاسی

صفحه ۶

مینا احدی در دالاس آمریکا

کارگران نیشکر هفت تپه در مجمع عمومی خود اعضای
هیئت مدیره سندیکای خود را انتخاب کردند

صفحه ۹

نقد مارکسیستی بحران جاری سرمایه داری
انجمن مارکس کانادا برگزار میکند

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ مصاحبه با کاظم نیکخواه

خویش را دارند. توان شکل دادن به جامعه‌ای آرمانی و انسانی را دارند. قدرت حفظ نظام انسانی در برابر تهاجمات و توطئه‌های عظیم‌ترین قدرتهای جهانی را دارند. اکتبر بشریت را از برده به انسان صاحب اختیار ارتقا داد. تابوی تاریخی و "مردم باید حکومت شوند" را عملاً شکست. اکتبر نه فقط جامعه شوروی بلکه کل تلقی بشر از خود را برای همیشه تغییر داد. این تغییر قابل بازگشت نیست.

شماره کردید به اینکه بورژوازی آرمانهای انقلاب اکتبر را شکست خورده اعلام کرده است. من می‌خواهم بگویم علی‌رغم این، بورژوازی بعد از اکتبر دیگر نتوانست با زبان دوره‌های پیشا اکتبری با مردم سخن بگوید. کلمه مردم دیگر با "بی‌سروپاها" مترادف نیست. در جوامع و کانونهای اصلی سرمایه داری تحقیر و توهین آشکار توده مردم پایان یافت. مردم با اکتبر صاحب رای و انتخاب شدند. درجاتی از برخورداری از حقوق، درجاتی از توجه به خواسته‌های مردم به بورژوازی تحمیل شد. بورژوازی ناچار شد حاکمیت خود را در لفافه مردمی بپیچد. قبول کند که آحاد مردم برای بردگی کشیدن علنی به دنیا نیامده اند. پیش از آن در انقلاب کبیر فرانسه و بعد با کمون پاریس این ایدئولوژی حاکمین ترکهایی برداشته بود اما با انقلاب اکتبر بود که طبقه سرمایه دار فهمید که دوره بردگی آشکار اکثریت مردم گذشته است. باید در لفافه‌ها و پوششهای دیگری حکومت کند. باید با فرهنگ و زبان دیگری با مردم سخن بگوید. باید حقوقی را برای مردم برسمیت بشناسد. حتماً می‌گوید اینها اساساً ظاهری است. پوششی برای ادامه حاکمیت بورژوازی است. عمیق نیست. همه جانبه نیست. هنوز هم کارگر کارگر است و سرمایه دار سرمایه دار. هنوز ستم و تحقیر و تبعیض و بی‌حقوقی وجود دارد. بله متأسفانه اینگونه است. اما اکتبر طبقه سرمایه دار را از نظر سیاسی، از نظر حقوقی، از نظر ایدئولوژیک و فرهنگی و حتی از نظر رفاهی و اقتصادی به منتها الیه مرزی که چارچوب نظامش امکان میدهد عقب راند. از نظر تاریخی دیگر جایی برای عقب نشستن بیشتر و نظم

و تفسیر پخش کردند. اگر خلیجها با شروع بحران به یاد مارکس می افتند، بسیاری بیشتر با ادامه بحران به یاد لنین و اکتبر که راه عملی شدن اندیشه‌های مارکس را پیش گذاشت می افتند. این بحران شکست و در واقع مرگ آن نیروهایی را اعلام کرده است که در ده بیست سال گذشته در راس دسته کر "کمونیسم شکست خورده" قرار داشتند. یعنی مدافعین پروپاقرص بازار آزاد و کل جناحهای بورژوازی که شناخته شده ترین آنها در آمریکا نامش نئوکسنسرواتیسیم است و در کشورهای دیگر بیشتر تحت نامهای محافظه کار و نئولیبرال و امثال اینها شناخته میشود. اگر بحران موجود به اعتراف خود سخنگویان بورژوازی هیچ انتخاب شناخته شده‌ای را برای ادامه حیات نظام اقتصادی بورژوازی باقی نگذاشته و همه چیز به "ببینیم چه میشود" واگذار شده است، در حوزه سیاست این سردرگمی بسیار عمیق تر و جدی تر خواهد بود. این یعنی همانجایی که بورژوازی دیگر جایی برای تکان خوردن و عقب نشستن بیشتر و نظامش را حفظ کردن ندارد.

انترناسیونال: این درست است که اکتبر قدرت سیاسی سرمایه داری را بزیر کشید و طبقه کارگر و مردم محروم قدرت را بدست گرفتند اما آن انقلاب را بعد از مدت کوتاهی به شکست کشانند. پاسخ شما به کسانی که پایان آرمانهای اکتبر و پایان کمونیسم را اعلام کرده اند و شکست انقلاب اکتبر را به زمینه‌ای برای تعرض به کل اهداف و آرمانهای انقلاب اکتبر تبدیل میکنند چیست؟

کاظم نیکخواه: اگر تاریخ برپایه تبلیغات و جوسازها میگشت باید بر کل جامعه بشری خط بطلان کشیده میشد. این تعرضات و تبلیغاتی که اشاره کردید مدت‌هاست که دیگر توسط مدافعان اولیه اش هم کنار گذاشته شده و در واقع شکست خورده است. اولین اختلاف ما و در واقع اختلاف حقیقت با تبلیغات این کسان اینست که انقلاب اکتبر نه در دهه نود میلادی بلکه در دهه بیست یعنی چندسالی بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ از مسیر اولیه خویش منحرف شد و شکست خورد. این اختلاف مهمی است. انقلاب اکتبر را بازار آزاد شکست نداد. شکست بلوک شرق در دهه نود برای بشریت هیچ تراژدی‌ای نبود. سرمایه داری دولتی

شکست خورد و سرمایه داری نوع بازار آزاد دست بالا را پیدا کرد. و امروز همین سرمایه داری بازار آزاد است که شکستش رسماً حتی توسط سران دولتها اعلام میشود و بورژوازی که تمام آلترناتیوهای شناخته شده اش شکست خورده در تمام رسانه‌های شناخته شده اش با سردرگمی اعلام میکند که آینده معلوم نیست چه خواهد شد. اگر چیزی بطور قطع و تاریخی شکست خورده باشد کل ایدئولوژی و آرمان و آینده نظام بورژوازی است. به رسانه‌های بستر اصلی بورژوازی این روزها سری بزید تا ببینید که چگونه یک طبقه تمام دورنما و استراتژی‌اش را از دست داده است. تئورسینها و نظریه پردازانش را به زیر سوال کشیده و یک یک سخنگویانش می‌گیرند در ارزیابیهایشان از اقتصاد بازار آزاد و آینده سرمایه داری اشتباه می‌کرده اند و پاسخی به اوضاع کنونی ندارند.

اما بر سر انقلاب اکتبر و آرمانهایش چه آمد؟ آرمانهای انقلاب اکتبر هیچ گاه حتی به طور جدی به مصاف طلبیده نشد که شکست بخورد. این آرمانها آرمانهای همیشگی بشریت است. آرمانهای اکتبر خلاصی از استثمار و ستمگری و بی حقوقی و دست یافتن به جامعه‌ای بر پایه شان و منزلت و رفاه همه انسانهاست. این ها تا بشریت زنده است زنده خواهند بود. مارکس اساس نظام جدید انسانی‌ای را که این آرمانها اساس آنرا تشکیل میدهند با دقت و تیزبینی غیر قابل تصویری نشان داد و امکان پذیر بودن و ناگزیر بودن آنرا ثابت کرد. اما راه عملی شدنش را انقلابات باید نشان دهند. طبقه کارگر در انقلاب اکتبر گام اساسی برای این تحول اساسی را که به زیر کشیدن طبقه اقلیت ستمگر و استثمارگر سرمایه دار از قدرت سیاسی بود پیروزمندانانه برداشت و این خود همانگونه که اشاره کردم یک تحول اساسی و برگشت ناپذیر است. بی تردید هر انقلاب آتی اولین گامهایش را بر اساس تجربه اکتبر برخواهد داشت.

اما طبقه کارگر و مردم محروم نتوانستند گام‌های عملی برای دست زدن به تحولات اقتصادی و اجتماعی‌ای را که برای همیشه به دوره فرودستی اکثریت مردم پایان دهد را بردارند. بنظر من شکست انقلاب اکتبر در این زمینه محتمل نبود اما تا حدی میتوان گفت محتمل بود.

طبقه کارگر در سنگرهایش شکست نخورد در قدمهای عملیش برای تغییر جامعه، تغییر مناسبات اقتصادی و اجتماعی و تغییر انسانها ناتوان ماند. این تغییرات تغییراتی عمیق و منحصر بفرد بود. به زمان و فرصت و رهبری تیزبین و برنامه ریزیهای بسیار حساب شده‌ای نیاز داشت که برای کمونیستهای روسیه - بویژه با مرگ لنین که رهبری بسیار تیزبین و توانا و رهبر بلامنابع انقلاب کارگری بود - کاری سترگ و غول آسا بود. محاصره اقتصادی و نظامی و جنگها و لشکرکشیهای گسترده تمام قدرتهای بورژوازی علیه طبقه کارگر روسیه مستقیماً شکست خورد و عقب رانده شد. اما این فضای جنگی و محاصره و فشارهای بسیار عظیم، اثرات مخربی برجای گذاشت و آرمان بورژوازی صنعتی روسیه را بر فضای جامعه روسیه شوروی حاکم کرد. طبقه کارگر و کمونیستهای روسیه در پاسخ دادن به این وظیفه خطیر یعنی داشتن برنامه و طرح و راههای عملی دست زدن به لغو نظام اقتصادی بورژوازی و تحولات اقتصادی و اجتماعی در این فضای خطیر (که با سرکوب و شکست انقلابات کمونیستی در کشورهای دیگر اروپایی هم همراه شده بود) ناتوان ماندند و بورژوازی روسیه بنام کمونیسم بر حزب کمونیست و بر جامعه روسیه غالب شد و نهایتاً مسیر انقلاب را به جای دیگری تغییر داد. آنچه اینجا مهم است توجه کنیم اینست که آن جامعه بسته و دیکتاتوری و سرکوب و دیوار آهنینی که پس از این بدور این کشور و اقمارش کشیده شد، نه آنطور که بورژوازی تبلیغ میکنند توسط کمونیستها و بلشویکهای متعهد به مارکس و سوسیالیسم، بلکه با سرکوب و کشتار کمونیستها عملی شد. اول کمونیستها و رهبران رادیکال و کمونیست کارگری را کشتار و سرکوب کردند تا بتوانند بعداً کل جامعه را به اختناق بکشانند. یک نیروی ناسیونالیست و بورژوازی که تمام هم و غمش صنعتی کردن روسیه به هر قیمتی بود سرکار آمده بود و خود را بناچار و بنا به موقعیت آنروز جامعه کمونیست معرفی میکرد و بورژوازی جهانی هم بسیار با استقبال این هیولای ضد کارگری و ضد

از صفحه ۲ مصاحبه با کاظم نیکخواه

کمونیستی را بنام کمونیسم تحویل گرفت و به جهان معرفی نمود. این بطور خلاصه کل ماجرا بود.

نکته ای که قابل توجه جدی است اینست که جامعه روسیه در دوره کمی بعد از مرگ لنین دیگر از هیچ نظر مطلقاً شباهتی به یک جامعه سوسیالیستی آنطور که مارکس و خود لنین بطور روشنی تعریف کرده بودند نداشت. نه از لغو کار مزدی خبر و نشانی بود، نه از رفع تبعیض و استثمار و بی حقوقی که پایه های کمونیسم و سوسیالیسم را میسازد. این جامعه ای بود که تماماً سرمایه داری بود. اما سرمایه داری از نوع دولتیست. وجود کارگر و سرمایه دار و استثمار و حاکمیت یک اقلیت که اجزاء تبیین سرمایه داری است، کلیت آنرا میساخت. اما بورژوازی هر جا که از سرکوب خفقان در این جوامع یاد میکند آنها را بنام سوسیالیسم و کمونیسم معرفی میکند و معلوم است که چرا. اما در دنیا دیکتاتور و سرکوبگر کم نبوده و نیست. فعلاً به آن دیکتاتوریهایی پوشیده تر تحت نام دموکراسی کاری نداریم. اما شما به هر دیکتاتور شناخته شده ای نظیر پینوشه و سهارتو و صدام و خمینی و هیتلر و ملک فهمد و بقیه که توجه کنید متوجه میشوید که اینها تا موقعی که سر کار هستند از جانب قطبهای اصلی سرمایه داری حمایت و ساپورت میشوند، جامعه شان تماماً سرمایه داری با تعریف هر متفکر

بورژوازی است، مناسباتشان با دولتها و کشورهای سرمایه داری برقرار است. تفکر و عقاید و سرتاپایشان سرمایه داری است. اما یک نفر از صف بورژوازی اینها را تحت نام سرمایه داری سرکوبگر شیلی یا اندونزی یا عراق یا ایران تعریف نمیکند. بلکه بورژوازی وقتی هم به هر دلیلی به نفی اینها میرسد، اینها را افراد و دیکتاتورهای منفردی معرفی میکند که به کل نظام سرمایه داری گویا ربطی ندارند! اما اگر فردی از همین قماش و در همین چارچوب خود را در حرف کمونیست یا چپ و سوسیالیست معرفی کند کافی است تا گفته شود کمونیسم یعنی سرکوب و دیکتاتوری و امثال اینها... اما تاریخ بشریت هیچگاه با دروغ و شارلاتانیسم رقم نخورده است و این فریبکاریها هم مدتهاست که دیگر بازار خود را از دست داده است.

انترناسیونال: ۹۱ سال بعد از انقلاب اکتبر، موقعیت کمونیسم در جهان را چگونه ارزیابی میکنید؟
کاظم نیکخواه: آنچه در متن تحولات جهانی امروز شاهدیم اینست که یک روند تدریجی اما آرام گرایش به چپ کاملاً قابل لمس است. با شروع بحران عمیق اقتصاد سرمایه داری و بی آلترناتیوی بورژوازی و شکست جریانات شناخته شده ضد کمونیست قطعاً این گرایش به چپ رنگ و بوی آشکار تر

سوسیالیستی و کمونیستی بخود خواهد گرفت. اینکه این گرایش فعلاً محسوس به یک تحول جدی و تاریخ ساز تبدیل شود نیاز به جدالهای جدی فکری و سیاسی و در نتیجه نیاز به شخصیتها و جریانات روشن و عمیق و سازمانگر و اجتماعی دارد. این قسمت دوم کمی بیشتر کار میبرد. در یک کلام زمینه اجتماعی عروج کمونیسم امروز بسیار مهیاست. از نظر اجتماعی نگاه بخشهای وسیعی از جامعه به چپ است. اما این بخودی خود جنبش و احزاب کمونیستی را ایجاد نمیکند. برای نمونه به آمریکای لاتین نگاه کنید. یک جنبش چپ و توده ای سراسر آمریکای لاتین را فرا گرفته است. قهرمانان و رهبران مردم در این منطقه مارکس و لنین و چه گوارا و فیدل کاسترو هستند. این مردم در اساسی ترین نیات و خواستههای خود به دنبال کمونیسم و سوسیالیسم هستند یا عبارت دقیق تر این ها نیروهایی متعلق به کمونیسم و سوسیالیسمند. اگر حزب و جریان کمونیستی - کارگری ای با خصوصیاتی که منصور حکمت تعریف کرده است در این جوامع وجود داشت انتخابش میکردند. اما در نبود چنین حزب و جریانی این جنبش هنوز کمونیستی و سوسیالیستی نیست. به همین دلیل هم می بینیم که همین جنبش وسیع توده ای و چپ پشت سر چاوز و مورالس و کاسترو و امثال اینها جمع میشود که طیفهایی از ناسیونالیسم چپ آمریکای لاتین را نمایندگی

میکند و با کمونیسم مارکس یعنی کمونیسم کارگری ربطی ندارند. مردم چپ را جستجو میکنند و سراغ چپ میروند. و متأسفانه چپ موجود و قابل توجه در این جوامع همینها هستند. در بقیه جهان هم میتوانند این اتفاق به درجه ای و به اشکال متنوعی بیفتند. باید دید که آیا رهبران و جریانات کمونیست و مارکسیست چه زمان سر بلند میکنند و جایگاه اجتماعی پیدا میکنند. فعلاً این را نمیتوان بروشنی دید اما زمینه شکل گیری آنها امروز از تمام دوره های اخیر بیشتر است.

انترناسیونال: موقعیت کمونیسم و طبقه کارگر در ایران را چگونه ارزیابی میکنید؟

کاظم نیکخواه: در این زمینه ما زیاد صحبت کرده ایم. بطور خلاصه باید بگویم که امروز به دلایل متعددی امید کمونیسم و هر تحول انسانی و پیشرو ایران است. در ایران شرایط سیاسی و اجتماعی بسیار متلاطم و بی ثبات است. بورژوازی دچار بحران حاکمیت است و راه و آلترناتیوی برای پاسخ به این بحران را ندارد. همینجا تاکید کنم که وقتی میگویم بورژوازی پاسخی ندارد منظورم فقط بورژوازی ایران نیست بلکه کل قدرتهای بورژوازی جهانی نشان داده اند که پاسخ و راه حلی برای نجات نظامشان در ایران ندارند. طبقه کارگر در جدالی هرروزه با صاحبان سرمایه و حکومت قرار دارد. حکومت مذهبی سرمایه داران به ته خط رسیده است. بدون اغراق

اکثریت عظیم کارگران و مردم در مورد ضرورت سرنگونی آن تردیدی ندارند و تنها به راههای سرنگونی این حکومت می اندیشند. از سوی دیگر این حکومت به یک دیو منفور و شناخته شده در افکار عمومی مردم جهان تبدیل شده است که نقطه اتکاء اصلی تروریسم و ارتجاع اسلام سیاسی است. و در نتیجه سیاست در ایران مورد توجه مردم جهان است. در کنار این واقعیتها یک جریان کمونیستی بسیار مضموم و روشن وجود دارد که برای تحولات اساسی تئوری و تجربه و چشم انداز تعریف شده دارد. این جریان بویژه به یمن روشن بینی و رهبری منصور حکمت سالها خود را برای دست زدن و رهبری کردن تحولات اساسی آماده کرده است. در جدالهای بسیاری وارد شده و سربلند بیرون آمده. وجود این حزب و تلاش و مبارزه آن در فضای پرتلاطم جامعه و نفرت کارگران و مردم از حکومت اسلامی، یک جنبش وسیع ضد مذهبی و چپ و رادیکال را ایجاد کرده است که رو به گسترش و رو به رشد است. و همه اینها و بسیاری از عوامل دیگر که اینجا فرصت پرداختن به همه آنها نیست، این زمینه و شرایط را ایجاد کرده است که بتوان بسیار امیدوار بود که آنچه در انقلاب اکتبر روسیه متحقق نشد و بی سرانجام ماند با انقلاب ایران به سرانجام برسد و بر کل منطقه و جهان تاثیرات عمیق خود را بگذارد. *

انجمن مارکس کانادا برگزار می کند نقد مارکسیستی بحران جاری سرمایه داری

تئوری مارکسیستی بحران

نقش سرمایه مالی و اعتبارات در بحران جاری

زمینه های سیاسی و اجتماعی بحران: از فروپاشی دیوار برلین تا فروپاشی وال استریت

شکست مکتب شیکاگو و سردرگمی و بی افقی بورژوازی جهانی

ابعاد سیاسی و ایدئولوژیک بحران برای سرمایه داری دنیا

پیامدهای بحران برای طبقه کارگر و توده مردم

تاثیرات بحران در ایران

پاسخ طبقه کارگر به بحران سرمایه

زمان: شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۰۸ مکان: تورنتو

زمان و مکان دقیق بزودی به اطلاع خواهد رسید

انجمن مارکس - کانادا

۳۰ اکتبر ۲۰۰۸



Tel: 0046-739318404

دفتر مرکزی حزب

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! نده باد جمهوری سوسیالیستی!

از میان سئوالات جلسات هفتگی حمید تقوایی

**ابعاد جهانی بحران سرمایه،
و مساله گرسنگی یک میلیارد مردم دنیا
بحران چگونه به کشورهای نظیر چین و ایران
منتقل میشود؟
با یک بیستم مبلغ کمک به سرمایه دارن میشود
مساله گرسنگی را در سطح جهانی حل کرد.
چرا دولتها این کار را نمیکنند؟**

رویا بحرینی: من سئوال کوتاهی دارم. بحران سرمایه داری مردم را دوباره گروگان گرفته است. و مثل همیشه دست در جیب مردم میکنند که بحرانشان را حل کنند. سئوالی که من از شما دارم اینست که با توجه به سرمایه گذارهای کلانسی که کشورهای آسیایی در بانکهای آمریکائی کرده اند، مثلاً کشور چین بیش از سیصد میلیون دلار در فقط دو بانک آمریکائی سرمایه گذاری کرده که آنها هم دچار ورشکستگی شده اند، وضعیت اقتصادی این کشورها را چطور میبینید؟ یا مثلاً کشورهای صادر کننده نفت وضعیتشان چه خواهد شد؟ همانطور که میدانید نفت یکباره از بشکه ای بیش از صد و بیست دلار به هفتاد دلار رسید و پیش بینی میکنند تا بشکه ای چهل دلار سقوط خواهد کرد. مردم چه وضعی پیدا خواهند کرد؟ جنبشهای مردمی چطور با این بحران مواجه خواهند شد؟ آیا این وظیفه ما کمونیستها نیست که پرچم سوسیالیسم را در برابر این وضعیت قرار بدهیم؟ با توجه به اینکه این بحران در واقع گریبانگیر مردم است تا خود سرمایه داران.

حمید تقوایی: خیلی ممنون از سئوالتان. در مورد وضعیت کشورهای آسیائی پرسیدید. روشن است که هیچ کشوری نمیتواند از این بحران بری باشد به این خاطر که در همه کشورها سیستم تولیدی سرمایه داری حاکم است و همه بخشی از نظام جهانی سرمایه داری هستند. کارکرد سرمایه در یک کشور با هزار و یک بند به دیگر کشورها مرتبط است و لذا این بحران گریبان همه را خواهد گرفت. اشکال مشخص و مکانیسمها و کانالهای تاثیرات بحران بر جوامع بر مبنای ویژگی های هر جامعه فرق خواهد کرد ولی در نفس قضیه تغییری داده نمیشود. اجازه بدهید چند مثال بزنم.

این بحران به سرعت روی جمهوری اسلامی تاثیر خواهد گذاشت. در روزهای اول مقامات رژیم با حماقت همیشگیشان اعلام کردند که این بحران ربطی به اقتصاد ایران ندارد و "اقتصاد اسلامی" مصونیت دارد! اما کاهش قیمت نفت به سرعت به اینان نشان داد که بحران سرمایه داری حتی خیلی شدید تر و سریعتر از خیلی کشورهای دیگر گریبانگیر اقتصاد ایران خواهد شد.

بخش دیگر سئوال شما در مورد وضعیت مردم بود. همانطور که گفتید قربانیان این بحران مردم هستند. این بحران زندگیها را بباد میدهد، زندگی کارگران و زندگی مردم عادی را. برای طبقه سرمایه دار این حد اکثر یک ضربه اقتصادی است. (البته مگر اینکه طبقه کارگر آرزو به یک ضربه سیاسی تبدیل کند). تا آنجا که به فاکتورهای اقتصادی مربوط میشود عده ای از سرمایه داران ورشکست میشوند و بوسيله کمپانیا بزرگتر بلعیده میشوند. اما، در کل، نه طبقه سرمایه دارثروت و موقعیت ممتاز اجتماعی و اقتصادی را از دست میدهد و نه حتی ورشکستگان از نظر شخصی و رفاهی چیز زیادی از دست میدهند. اعلام ورشکستگی میکنند و به مایملک خصوصی سرمایه داران و مدیران و غیره دست نمیخورد.

یکی از موضوعاتی که بعد از تصویب لایحه کمک هفتصد میلیاردی دولت آمریکا به بانکها و کمپانی های ورشکسته افشا شد این بود که مدیران و صاحبان این کمپانیا یک هفته بعد از تصویب این لایحه بیش از ۴۰۰ هزار دلار صرف یک تور بازی گلف برای خودشان کرده اند! این مفتخورها حتی در سبک زندگی اشرافی و مجلشان تخفیف نداده اند! سرمایه دار حاضر نیست حتی در شرایط بحران و ورشکستگی از زندگی لوکس شخصی اش کوتاه بیاید ولی برای کارگران و مردم عادی بحران یعنی از دست دادن کار و خانه و بر باد رفتن هست و نیستشان. هفته قبل در اخبار بود که در آمریکا در یک روز افراد سه خانواده بخاطر اینکه خانه شان را از دست داده بودند دست بخود کشی زدند. مردی بعد از کشتن سه فرزند و همسرش خود را میکشد، زن خانه داری که ماهها اخطار بانک برای تخلیه خانه را همسرش پنهان کرده بود خودکشی میکند و وصیت میکند که شوهرش گرسنگان دنیا یک میلیارد نفر اعلام

شده و نه افرادی که زیر خط فقر زندگی میکنند. تعداد انسانهای زیر خط فقر خیلی بیشتر از یک میلیارد نفر است (آمار زیر خط فقر تنها در ایران بیش از ۴۵ میلیون نفر است). یک میلیارد آمار کسانی است که گرسنه اند یعنی حتی توان تامین قوت لایموت خود را ندارند و در معرض خطر مرگ از گرسنگی به سر میبرند. در هر حال نکته ای که در این گزارش بود و شما هم به آن اشاره کردید خیلی مهم و قابل توجه است. این نکته که با یک بیستم کمک مالی دولت آمریکا به بانکها میشود این وضعیت را عوض کرد و یک میلیارد نفر را از خطر گرسنگی نجات داد. می پرسید چرا به این گرسنگان کمک نمیکنند؟ خوب همیشه همینطور بوده است. در شرایط بحران این حقایق به شکل برجسته و چشم گیری خود را نشان میدهد ولی همیشه سرمایه داری قربانیان خود، یعنی گرسنگان و دردمندان را، بحال خود رها کرده است. هر سال میلیونها کودک در اثر بیماریهای کاملا قابل پیشگیری جان خود را از دست میدهند، تعداد زیادی از مردم در چهارگوشه دنیا از گرسنگی میمیرند و به آمار گرسنگان و فقرای دنیا هر روز افزوده میشود و از آن طرف خرورها مواد غذایی را بدریاه میریزند. چرا اینطور است؟ دلیلش روشن است. دلیلش اینست که سرمایه داری برای سود تولید میکند و نه رفاه انسانها. سرمایه به دنبال فعالیتی که سودآور نباشد نمیروود. رساندن غذا بدست گرسنگان "صرف" نمیکند! مواد غذایی را به دریاها میریزند که قیمتها نشکند! به گرسنگان کمک نمیکنند چون سودآور نیست اما کمک به بانکها تضمین حل بحران و گردش چرخ تولید و سود آوری بیشتر برای صاحبان سرمایه است. دولتها به طبقه حاکمه خدمت میکنند و نه به کل جامعه. به همین دلیل حاضرنده بسیار بیشتر از هفتصد میلیارد دلار برای نجات بانکها و کمپانیا پردازند اما یک بیستم این مبلغ را از مردم گرسنه دریغ کنند. ثروت انباشته شده در دست میلیاردرهای دنیا روی دیگر سکه فقر و گرسنگی میلیاردها انسان جهان ما است. آن ثروت بوسيله این فقرا تولید شده. حتی اگر این کمک هفتصد میلیاردی دولت آمریکا به طبقه خودش موثر واقع بشود و

از پول بیمه عمر او بدهی به بانک را بپردازد. مورد سوم اقدام بخودکشی پیرزنی بود که حکم تخلیه خانه ای که ۳۲ سال در آن زندگی کرده بود دریافت کرده بود. اینها تنها نمونه هایی از فاجعه ای است که در برابر چشم ما شکل میگیرد. بحران اقتصادی برای طبقه سرمایه دار در بدترین حالت بمعنای ورشکستگی و از دست دادن سرمایه است اما برای طبقه کارگر و مردم عادی بحران یعنی تشدید فقر و فلاکت و بیکاری و بیخانمانی. یعنی مساله مرگ و زندگی. بهمین خاطر من فکر میکنم کاملاً این زمینه وجود دارد که یک جنبش جهانی اعتراضی علیه این وضعیت شکل بگیرد. امروز همانطور که شاره کردید روزی است که میتوان پرچم سوسیالیسم را در سطح دنیا بالا برد برای اینکه حقایق صریح و بی پرده در برابر چشم مردم قرار بگیرد و بروشنی میتوان دید که نظام سرمایه داری چیزی بجز تحمیل فقر و فلاکت بیشتر و بیشتر به توده مردم نیست. راه حل اینست که کل نظام سرمایه داری را کنار گذاشت و نظام سوسیالیستی، یعنی جامعه ای بر اساس منافع و نیازها انسانی، و نه سود و سودآوری، را سازمان داد.

چرا مساله گرسنگی را حل نمیکنند؟

دوستی با نام مستعار "سوسیالیسم": من در گزارش سازمان ملل متحد خواندم که فقر افزایش پیدا کرده است و در حدود یک میلیارد انسان زیر خط فقر هستند. یک مقام سازمان ملل بعد از اشاره به کمک هفتصد میلیارد دلاری دولت آمریکا به مراکز مالی این کشور گفته است که میتوان با یک بیستم این مبلغ کمک مالی به بانکها این فقر را از میان برد. توجه بکنید با یک بیستم هفتصد میلیاردی که جرج بوش به موسسات مالی کمک کرده میشود میتوان یک میلیارد انسان را از فقر نجات داد! این برای من سئوال است که چرا اینها که میتوانند فقر جهانی را با یک بیستم پولی که به سرمایه داران دادند حل بکنند این کار را انجام نمیدهند؟ این برای من جابجاست که چرا؟

حمید تقوایی: بله من هم این گزارش سازمان ملل را خوانده ام. نکته اول اینکه در این گزارش تعداد گرسنگان دنیا یک میلیارد نفر اعلام

از صفحه ۱

مبارزه علیه اعدام ...

پرفینک: هفتی گذشته شاهد لغو اعدام کودکان و نوجوانان در ایران بودیم. همه می دانیم جمهوری اسلامی به این راحتی‌ها عقب نشینی نمی کند. چه شد که عقب کشیدند؟ حزب کمونیست کارگری چه نقشی داشت؟

مینا احدی: من فکر می کنم که جمهوری اسلامی بخاطر مجموعه اعتراضاتی که در ایران علیه اعدام و بخصوص علیه اعدام کودکان و نوجوانان هست، عقب کشید. این اعتراضات نه فقط در داخل ایران که در سطح بین المللی هم بسیار هستند. مسئله اعدام بیجه های زیر ۱۸ سال در سراسر دنیا با موجی از انزجار روبرو می شود. به همین خاطر الان در خیلی از کشورها ممنوع است. طبق آماري که ما داریم در ۵ کشور به صورت مخفیانه کودکان را اعدام می کنند اما در سال ۲۰۰۸ تنها کشوری که به اعدام بچه ها دست زد و حداقل ۶ نفر را اعدام کرد، جمهوری اسلامی بود. بنابراین مسئله بر سر این است که زیر این فشار شدید حکومت اسلامی عقب نشینی کرد و راستش باید دید که این عقب نشینی را تا چه حد اجرا می کند. تا بحال تجربه ثابت کرده که يك حرفه ای می زنند اما دوباره سعی می کنند از سر بگیرند. تا جایی که به نقش حزب کمونیست کارگری ایران برمی گردد به نظر من ما نقش خیلی زیادی بازی کردیم و کلا در مبارزه علیه اعدام در ایران نقش زیادی داریم و همچنین در جا انداختن يك فرهنگ مخالفت با قتل عمد دولتی. من فکر می کنم به درجاتی می توان گفت رنسانسی فکری در ایران علیه اعدام در حال اتفاق است. امروز دیگر خیلی از سازمانها و نهادها به طور قطع با اعدام مخالفت می کنند. نکته ای در

ایران و کشورهای اسلام زده هست و آن این که اعدام را بعضا به عنوان راه حل ارائه می دهند. اما فکر می کنم با مجموعه بحث های ما، اعدام دیگر بسیار قبیح شده و به آن اعتراض می شود. در عین حال ما علیه اعدام کودکان و نوجوانان مجموعه ای از فعالیت های بین المللی را سازمان دادیم، آکسیون هایی داشتیم که بعضا موفق شدیم جان بعضی انسانها را نجات دهیم. ما به عنوان جریانی ضداعدام در تحمیل این عقب نشینی به جمهوری اسلامی نقش خودمان را داشتیم. اما باید گفت که جنبشی وسیع علیه اعدام موجود است و طبیعا سازمان های بسیار دیگری نیز در این پیروزی نقش داشتند.

در مورد دلایل مشخص این عقب نشینی نکته مهمی را هم نباید فراموش کرد. سازمان ملل از ۱۵ تا ۱۸ اکتبر نشست در مورد مسئله ی کودکان و حقوق کودکان، به مناسبت روز جهانی که این اواخر بود، دارد. بیش از ۳۰۰ سازمان مدافع حقوق انسان نامه ای نوشتند و از طرف این نشست خواستار لغو مطلق اعدام کودکان و نوجوانان در تمام جهان شدند. به نظر من نزدیکی این نشست هم بر تصمیم جمهوری اسلامی تاثیر داشت.

پرفینک: اتفاقا می خواستم راجع به همین مسئله جمهوری اسلامی و فشارهای بین المللی بپرسم. آیا لغو اعدام کودکان و نوجوانان در ایران در سطح بین المللی به جمهوری اسلامی مشروعیت بیشتری نمی دهد؟

مینا احدی: به نظر من اصلا چنین چیزی نیست. این را بیشتر عقب نشینی و تحمیل عقب نشینی به حکومتی دیکتاتور تعبیر می کنند. تجربه همه سازمان های حقوق بشر

(مثل عفو بین الملل و دیدبان حقوق بشر) با جمهوری اسلامی به آن ها ثابت کرده که این حکومت يك قدم عقب می گذارد و بعد سعی می کند دوباره جلو بیاید. این را در رابطه با مبارزه علیه سنگسار و اعدام دیده ایم. به همین دلیل با يك درجه بدبینی به این خبر نگاه می کنند. همه می دانند جمهوری اسلامی مجبور به این عقب نشینی شده و به نظر من مطلقا مشروعیتی در افکار عمومی یا نزد سازمان های مختلف برای این حکومت ایجاد نخواهد شد. همین الان از عفو بین الملل تا سایر سازمانها همگی گفتند جمهوری اسلامی باید این را (لغو اعدام کودکان) را قانون بکند.

در ضمن جمهوری اسلامی اینقدر جنایت کرده و اینقدر رفتار وقیحانه و وحشیانه ای علیه مردم دارد که نفرت و انزجار بین المللی از این حکومت پابرجا است. با این حرکتها (لغو اعدام کودکان) هم با بدبینی و سوطن برخورد می شود و همه منتظرند ببینند عملا چه هست و می دانند رژیم تحت فشار به این اقدام دست زده.

پرفینک: این پیروزی بزرگی برای فعالین علیه اعدام بود که شاهد لغو اعدام کودکان و نوجوانان در جمهوری اسلامی باشند. آیا فکر می کنید بتوان مادام که جمهوری اسلامی سرپاست شاهد لغو کلیت مجازات اعدام هم باشیم؟ رابطه مبارزه علیه اعدام با سرنگونی جمهوری اسلامی چیست؟

مینا احدی: به نظر من، برخلاف خیلی چیزها یا سازمان های دیگر که می گویند تا حکومت نرود تغییری پیش نمی آید و در واقع دست روی دست می گذارند، همواره فعالیتها و کارهای جریان و حزب ما به گونه ای بوده که برای نجات جانهای بیشتر و برای تحمیل عقب نشینی بیشتر به

جمهوری اسلامی تلاش کرده ایم و در عین حال می خواهیم این حکومت را سرنگون کنیم.

ما اعلام می کنیم که اعدام باید لغو بشود؛ هم در ایران و هم در سایر کشورها. به نظر من تحمیل این به جمهوری اسلامی هم امکان پذیر است و بستگی به میزان فشاری دارد که رویش بگذاریم. طبیعا جمهوری اسلامی حکومتی است که با اعدام و خشونت و سنگسار سرپا است و همواره از همین حربه استفاده می کند. اما مهم این است که این مبارزات برای ممنوعیت اعدام حکومت را تضعیف می کند و روز مرگش را نزدیک می کنند. ما به نشستها و نهادها و حتی دولت ها و اتحادیه اروپا و سازمان ملل می گویم که بگویند باید همین امروز اعدام در ایران ممنوع شود. رابطه آن با مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی همینست که مبارزات مردم جلوتر می آید و یک حربه مهم رژیم از بین می رود و این بسیار مهم است.

جمهوری اسلامی بدون اعدام، بدون سنگسار و بدون تحمیل حجاب رفتنی است و روز مرگ چنین جمهوری اسلامی ای بسیار نزدیک تر خواهد بود و دقیقا به همین خاطر است که در تمام این جبهه ها مقاومت می کنند.

پرفینک: پیام شما به هواداران و فعالان حزب و فعالین علیه اعدام که می خواهند مبارزه علیه اعدام را به مبارزه با جمهوری اسلامی پیوند بزنند، چیست؟

مینا احدی: اولاً پیام من به همه کسانی که در ایران فعالیت می کنند یا در سطح بین المللی فعال علیه اعدام هستند این است که این يك عرصه بسیار مهم در دفاع از حقوق انسانی و يك فرهنگ انسان دوستانه است. این مبارزه مهمی علیه

جمهوری اسلامی و در راه سرنگونی است. خوشبختانه در ایران با این مواجه هستیم که در هر حرکتی و هر میتینگی شعار ممنوعیت اعدام دارد بالا می رود. بخصوص در روزهای اخیر به مناسبت روزهای جهانی کودک دیدیم که بیانیه ها و قطعنامه های بسیار مترقی از همه نهادها و انجمن های روز کودک وجود داشت و مخالف اعدام کودکان و نوجوانان بودند. این ها حتی در پیشروی جنبش کلی علیه اعدام در ایران تاثیر داشت.

پیام من اینست که این مبارزات را باید گسترده تر کنیم و اشکال بیشتری به آن ببخشیم. ما می توانیم مثل روز جهانی کودک که دارد عادی می شود، علیه اعدام هم فستیوال و کارناوال هایی در دفاع از حق حیات و زندگی سازمان بدهیم. باید کاری کنیم که به نوعی گاراتی و تضمین ایجاد بشود که حتی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی هم هر حکومتی سر کار آمد، هر اتفاقی افتاد، تاریخ اعدام در ایران تمام شود. قتل عمد دولتی از طرف هیچ کس و هیچ نهادی پذیرفته شده نیست. مبارزه علیه اعدام يك مبارزه بسیار مهم در راه سرنگونی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی به واقع با اعدام زنده است. کارگران و زنان و دانشجویان را با حربه اعدام می ترسانند و حتی تعدادی از فعالین و تظاهرکنندگان را يك سال پیش گرفتند و به اسم اراذل و اوباش اعدام کردند تا زهر چشم بگیرند. مبارزه ما علیه اعدام خشتی کردن این حربه ترس و وحشت است. يك بار دیگر تاکید می کنم که به این معنا مبارزه مستقیم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای ایجاد تغییر فکری در جامعه است. این مبارزه مهمی در احترام به حقوق انسان و برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. *

نهادهای دولتی دست به تجمعات بزرگتری خواهند زد.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض کارگران شرکت کیان تایر قاطعانه حمایت می کند و کارگران را به تشکیل منظم مجمع عمومی خود و اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی فرامی خواند. حزب همچنین از همه کارگران و مردم تهران می خواهد که از اعتراض کارگران شرکت کیان تایر حمایت کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مردم پر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

انسانی مجبور به ترك کارخانه شد و سپس مدیر مالی کارخانه نیز مجبور شد محل را ترك کند.

شایان ذکر است که هیئت حل اختلاف اداره کار اسلامشهر مدتی است که رأی به پرداخت بیمه این کارگران و رد لیست بیمه آنها به سازمان تأمین اجتماعی داده است، اما مدیران منابع انسانی و مالی کارخانه به بهانه نبود دستور کارفرما در این مورد، اقدامی نکرده اند. کارگران التیماutom داده اند که اگر تا روز سه شنبه ۷ آبانماه به مطالباتشان پاسخ داده نشود، در مقابل

کارگران کیان تایر مدیران منابع انسانی و مالی کارخانه را بیرون کردند

جریان اعتراض ۵ آبان ماه خود متوجه شدند که مدیر کارخانه در طول ماههای گذشته قراردادهای این کارگران را تمدید نکرده است که به فضای اعتراضی بیشتری دامن زد. این خبر می افزاید که با تشدید اعتراض کارگران و مقاومت مدیران، مزبور در برابر تصمیم کارگران، نیروی آگاهی اسلامشهر به محل اعتراض کارگران آمد و پس از مذاکره با کارگران، مدیر منابع

کارگران بعد از تصمیم به اخراج این دو مدیر، متحدهانه این تصمیم را به آنها ابلاغ کردند. اما بعد از اینکه آنها حاضر به ترك کارخانه نشدند کارگران در مقابل ساختمان اداری کارخانه تجمع کردند و با سر دادن شعار وارد ساختمان اداری شده و بر تصمیم خود. یعنی اخراج مدیران از کارخانه. پافشاری کردند. بیش از نیمی از ۱۳۰۰ کارگر شرکت کیان تایر قراردادی هستند. کارگران در

بنابه خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، کارگران شرکت کیان تایر (لاستیک البرز سابق) به این دلیل که مدیران منابع انسانی و مالی کارخانه لیست بیمه کارگران را به سازمان تأمین اجتماعی رد نکرده بودند، روز ۵ آبان ماه مجمع عمومی برپا کرده و رأی به بیرون کردن مدیران منابع انسانی و مالی از کارخانه دادند. مجمع با سخنرانی تعدادی از نمایندگان کارگران شروع شد و سپس

علیه زن ستیزی اسلام سیاسی مینا احدی در دالاس آمریکا

سخنرانی در سمپوزیوم بین المللی اعتراض به خشونت بر علیه زنان در دانشگاه "اس ام یو"، سخنرانی در دو جلسه با حضور دانشجویان دانشگاه "اس ام یو"، سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم دالاس از جمله فعالیتهای این هفته مینا احدی در آمریکا بودند.

به دعوت بخش حقوق بشر دانشگاه دالاس مینا احدی در یک سفر یک هفته ای در جلسات و سخنرانیهای متعددی در این شهر حضور یافت. در اینجا گزارش این فعالیتهای را ملاحظه میکنید:

دانشگاه اس ام یو، سمپوزیوم بین المللی علیه خشونت بر علیه زنان

روز پنجشنبه دانشگاه اس ام یو شاهد حضور بیش از ۵۰۰ نفر در سالن این دانشگاه بود. دانشجویان و جوانان و مردم زیادی از فراخوان بخش حقوق بشر دانشگاه استقبال کرده و به سخنرانی پنج زن از پنج کشور دنیا گوش فرا دادند. سخنرانان در مورد ابعاد خشونت علیه زنان در دنیا سخنرانی کردند.

کنفرانس با سخنرانی افتتاحیه ریک هالپرین رییس بخش حقوق بشر دانشگاه که در عین حال رییس عفو

بین الملل آمریکا است، شروع شد. ریک گفت در برنامه امروز در مورد خشونت و جنایاتی حرف میزنیم که در این قرن، بر علیه نیمه بشریت اتفاق می افتد. او در پایان گفت باید به این جنایات پایان داد و از همگان خواست به پا خیزند و کمک کنند، نقطه پایانی بر خشونت بر علیه زنان گذاشته شود.

سپس سخنرانان از آرژانتین، اوگاندا، فلسطین، آمریکا و ایران، با سخنرانیهای خود نفسها را در سینه ها حبس کردند. ابعاد جنایات و میزان وحشیگری نظام سرمایه داری و دولتهای دیکتاتور و فاشیسم اسلامی بر علیه زنان غیر قابل تصور است. سخنرانان تصویری واقعی از این معضلات به حاضرین دادند.

آنا ماریا گاریگا از آرژانتین، جسیکا اوکلو از اوگاندا، مینا احدی از ایران، دعا منصور از فلسطین، ترزا فلورس از آمریکا، همگی در مورد زندگی و فعالیتهای خودشان و همچنین موقعیت میلیونها زن در این چند کشور و در دنیا حرف زدند. آنها تاکید کردند که زنان روزانه قربانی خشونت مردسالارانه و خشونت سازمان یافته دولتی

میشوند و در عین حال از مبارزه و اعتراضات گسترده زنان و مردم علیه این جنایات حرف زدند.

سخنرانیها در این سمپوزیوم مورد استقبال زیادی قرار گرفته و با ابراز احساسات حاضرین به این سخنان سمپاتی نشان میداند.

مینا احدی در این سمپوزیوم در مورد بیوگرافی و فعالیتهای خود حرف زد و سپس گفت: در ایران يك حکومت آپارتاید جنسی وجود دارد. حجاب و جداسازی و سنگسار و خشونت علیه زنان در ایران يك امر روزمره است. او گفت زنان سالهای سال است که علیه این جنایت و این جداسازی و آپارتاید جنسی مبارزه میکنند. در ایران يك جنبش عظیم سکولار و انسانگرا وجود دارد که علیه حکومت اسلامی و برای يك زندگی بهتر میجنگد. او گفت این مردم و زنان در ایران حق دارند مورد حمایت و همبستگی بین المللی قرار گیرند و باید همگان از مبارزات زنان و مردم در ایران دفاع کنند، این وظیفه همه انسانهای آزادیخواه و متمدن جهان است.

در این کنفرانس میز کتاب فعالین حزب کمونیست کارگری ایران برپا بود که در آن مطالب و جزوات متعددی به حاضرین عرضه میشد. میز کتاب با عکسهای متعدد از خشونت علیه زنان در ایران و نشان

دادن صحنه هایی از اعدام و سنگسار توجه مردم را به خود جلب کرده بود. بویژه جزوه دنیا بعد از ۱۱ سپتامبر نوشته منصور حکومت، وسیعا در بین حاضرین توزیع شد.

سخنرانی در دو سمینار در دانشگاه اس ام یو

مینا احدی در دو سمینار دیگر در روزهای سه شنبه ۲۱ و چهارشنبه ۲۲ اکتبر در جمع دانشجویان دانشگاه اس ام یو سخنرانی کرد. در روز سه شنبه سخنرانی در جمع دانشجویانی بود که درس زبان آلمانی میخوانند. سخنرانی به زبان آلمانی و در مورد موقعیت زنان در ایران بود، این جلسه با شرکت فعال دانشجویان مواجه شد و استقبال از مباحث و ابراز علاقه به همکاری با سازمان علیه تبعیض و یا کمیته علیه سنگسار بارز بود.

در جلسه روز چهارشنبه ۲۲ اکتبر مینا احدی با ترزا فلورس فعال حقوق زنان از آمریکا، بطور مشترک در مورد ابعاد خشونت علیه زنان در ایران و در آمریکا سخنرانی کردند.

سخنرانی در جمع ایرانیان در روز جمعه ۲۴ اکتبر

به دعوت واحد دالاس حزب کمونیست کارگری ایران و فدراسیون پناهندگان ایرانی واحد دالاس، مینا احدی در جمع ایرانیان علاقمند در

مورد ابعاد فعالیت علیه اعدام و سنگسار و در مبارزه علیه خشونت وحشیانه علیه زنان در ایران سخنرانی کرد. شراره میرزایی فعال حزب کمونیست کارگری ایران در دالاس ابتدا ضمن خوش آمدگویی به حضار بیوگرافی کوتاهی از مینا احدی را برای حاضرین بیان نمود. سپس يك گفتگوی چندین ساعته مینا احدی با حاضرین در مورد مسایل متعدد در رابطه با اوضاع سیاسی ایران و چگونگی تقویت مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی شرکت کرد.

این فعالیتهای در عین حال از طریق چندین رسانه منعکس شد. نشریه دانشگاه اس ام یو، روز بعد از سمپوزیوم گزارش مفصلي در مورد این سمپوزیوم منتشر کرد. مینا احدی همچنین با رادیو صدای آمریکا، نشریه شهروند و تلویزیون صدای آمریکا مصاحبه ای در مورد این فعالیتهای انجام داد.

مجموعه برنامه های این يك هفته در دالاس آمریکا با فعالیت و کوشش فعالین حزب و فدراسیون دالاس با موفقیت به پیش برده شد.

تشکیلات حزب کمونیست کارگری- دالاس آمریکا
۲۶ اکتبر ۲۰۰۸

از صفحه ۴ از میان نامه ها و سؤالات ...

سرمایه از بحران نجات پیدا کند مساله فقرا و گرسنگان عالم حل نخواهد شد. شکاف بین دره فقر اکثریت عظیم مردم دنیا و کوه ثروت يك اقلیت قلیل همچنان باقی خواهد ماند و افزایش پیدا خواهد کرد.

يك آمار منتشر شده دیگر اینست که در دوره بعد از جنگ سرد و يکه تازی سرمایه داری بازار آزاد شکاف بین فقر و ثروت در کشورهای صنعتی، و بطریق اولی در همه دنیا، چندین برابر دوره گذشته افزایش یافته است. یعنی تعداد ثروتمندان کمتر و حجم ثروتشان بیشتر، و تعداد فقرا بیشتر و درآمدشان کمتر شده است. در سالهای هفتاد و هشتاد میلادی

کمتر از ۲۰ درصد جمعیت آمریکا صاحب بیش از ۸۰ درصد ثروت جامعه بود. در دهه بعد این نابرابری در ثروت به نحو دراماتیکی افزایش پیدا کرد. در آغاز دهه نود بیل کلینتون در کمپین انتخاباتی اش اعلام کرد که ۱ درصد فوقانی ثروتمندان آمریکا ۹۰ درصد کل ثروت، و ۱۰ درصد ثروتمندان ۹۹ درصد ثروت جامعه آمریکا را در اختیار دارند. من آمار امروزی را در اختیار ندارم اما میدانم که این شکاف و نابرابری در دوره ریاست جمهوری کلینتون و بعد در دوره بوش براتب عمیق تر و وسیع تر شده است. نکته مهم اینست که این ثروت عظیم انباشه شده در دست يك درصد جامعه بوسیله آن نود و نه

درصد تولید شده است. آن يك درصدی که بر سر این خوان نعمت نشسته اند و میخورند و میبرند هیچ کاری انجام نمیدهند و نقشی در تولید این ثروت ندارند. اوقاتشان را در ویلاهای تفریحی و جت های شخصی و در کازینوها و زمین بازی گلف - که بعد از ورشکستگی يك قلم ۴۰۰ هزار دلار از کمکهای دریافتی را صرف آن میکنند - میگذرانند و حتی بحران و ورشکستگی هم خللی در زندگی لوکس و مجلل شخصیشان ایجاد نمیکند. مفتخوران دنیا از قبل کار اکثریت عظیم مردم ثروتشان از پارو بالا میروند و يك نتیجه این وضعیت گرسنگی يك میلیارد مردم دنیا است.

این فقر و نابرابری یعنی نظام سرمایه داری. سرمایه درای چیزی جز

این نیست. به بحران و رونق و با آمریکا و چین و هند و آسیا و آفریقا هم هیچ ربطی ندارد. هر جا شما نظام اقتصادی داشته باشید که بر اساس تولید سود کار کند وضعیت همین است. فقرا تولد میکنند و ثروتمندان فقط مالک سرمایه هستند و بس! همین کافی است! کسی مثل جناب بیل گیتس میتواند خودش و هفت نسل بعدی اش در ناز و نعمت زندگی کنند در حالی که کارگری که تمام عمرش تا شصت سالگی و هفتاد سالگی کار کرده و جان کنده است هشتتس گرو نه است و فرزند و نوه و نتیجه اش هم محکوم است که تا آخر عمر جان بکند و نصیبی از دسترنج خود نداشته باشد. محکوم است با فروش نیروی کار گذران کند چون مالک چیزی بجز نیروی کارش نیست.

این نابرابری فاحش خصلت و ماهیت سرمایه داری در رونق و در بحران است. تنها تفاوت اینجاست که در شرایط بحران این حقیقت عیان تر و آشکار تر از همیشه در برابر چشمان مردم قرار میگیرد. و مثلاً همه میبینند که دولت هفتصد میلیارد دلار برای نجات بانکها و کمپانیها صرف میکند در حالی که از صرف يك بیستم این مبلغ برای نجات جان يك میلیارد مردم گرسنه دنیا، که قربانیان مستقیم همین نظام ضد انسانی هستند، دریغ میکند. و این شاهد دیگری است در محکومیت نظام سرمایه داری و کيفرخواستی است علیه خصلت و ماهیت ضد انسانی این نظام. *

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

صدای مردم در کانال جدید

محاكمه جنایتکاران رژیم اسلامی برنامه ای از شهلا دانشفر روی هیتلر را سفید کرده اند

سلام و درود به شما خانم دانشفر و تمام عزیزان حزب، و زنده باد منصور حکمت. من می خواهم سران رژیم را محکوم کنم. زمانی که وقت رژیم را بسر آوریم و اینها را بزیر بکشیم، به نظم محاکمه اینها بخواهر لیست طولانی و وحشتناک شکنجه و جنایات آشکارشان برای مردم آسان خواهد بود. بنظرم همان يك فتره اعدامهای خلغالی برای تمامی دوره سی ساله اینها کافیتست چه برسد به اسناد مختلف و فوق العاده زیادی که در واقع بقول شما روی هیتلر را هم سفید کرده اند. تمامی پدر و مادرائی که نتوانسته اند پس از کلی کار و زحمت و تولید حقوق کافی بگیرند و بچه هایشان را تامین کنند! تمامی خانواده هایی که دختران و عزیزانشان به تن فروشی و اعتیاد دچار شده اند اسناد بزرگی برای محاکمه اینها خواهند بود. چه بشمار دختران فراری که به دام شبکه های قاچاق این حکومت و کشورهای عربی افتادند و چه بشمار کودکان و جوانانی که از تحصیل محروم شدند، به انواع کار اجباری تنند دادند، کارتن خواب شدند، زندانی شدند و شکنجه شدند و اعدام شدند برای محاکمه این جنایتکاران دخیل خواهند بود! خود همین اجاره نشینی و بی مسکنی برای مردمی که سالها رنج کشیده و کار کرده اند و اجاره های سنگین و کمرشکن را متحمل شده اند يك گناه بزرگی برای محاکمه اینهاست. من خوشحالم که در این محاکمه ما مثل اینها نخواهیم بود و شکنجه و اعدام جزو سبک کار سیستم شورایی و انسانی ما نخواهد بود. باید مردم و بشریت بتوانند سرنوشت حاکمان جنایتکاری مثل اینها را در جامعه آزاد و برابر ببینند و در پروسه متناسب شدن و شکست اینها دخیل باشند. مردم نباید منتظر حمله آمریکا باشند بلکه مردم همگی باید بلند شوند و با اتحاد و همبستگی میلیونی آنها با حزب انسانی و قدرتمندی که دارند به دوره حکومت اینها پایان دهند.

مردی از تهران

همه عضو این حزب شویم

سلام خانم دانشفر. من میخواستم جواب آن آقا را بدهم که میگفتند همه مردم رهبرشان را دوست دارند که منظورشان سرکرده جنایتکاران، خامنهای، بود. کدام رهبر؟! آیا رهبر جنایتکار قاتل و رئیس جمهور تیر خلاص زن را میگویند؟! کدام مردم این رهبران را دوست دارند؟! اینها که همه مردم را دربر و فقیر و بدبخت کرده اند، اینها که دهها هزار جوان مردم را اعدام کرده اند! اینها که بخاطر منافع خودشان جنگ هشت ساله راه انداختند و بیش از يك میلیون کشته و هزاران معلول بجا گذاشتند، حالا کدام مردم است که این رهبران را دوست دارند! فکر میکنید مردم فراموش کرده اند که این حاکمان در سال ۶۰ و سال ۶۷ چه جنایاتی براه انداختند و چگونه بر انقلاب و جامعه خون پاشیدند، اینها حق مردم را روز بروز بریدند و زندگی زیر خط فقر را بر این مردم تحمیل کردند و خودشان میلیاردر شدند و از طرفی هم شکم جیره خوارانشان را سیر کردند تا با سرکوب و ترساندن مردم سالیان سال بر زندگی و بهشت خودشان بقا بخشند. از خمینی گور بگور شده که سر دسته جنایتکاران بوده تا تک تک این سران و رهبران دولتی و حکومتی باید محاکمه شوند و جواب جنایاتشان را آن هم نه فقط به مردم ایران بلکه به حرمت بشریت پس بدهند. امیدوارم ما مردم رنج دیده بیاییم به برنامه های این تلویزیون گوش کنیم که نه از آمریکا و نه از جایی پول میگیرد و نه دستش به جنایتی آلوده شده، و امیدوارم همه عضو این حزب کمونیست کارگری شویم و با همین رهبری کار اینها را یکسره کنیم. امیدوارم به این کانال تلویزیون کمک کنیم. خداحافظ شما.

زنی از ایران

۵۵ نفر دور خود جمع کرده ام

خانم دانشفر سلام. من همان کارگری هستم که گفتم ۵۵ نفر دور خود جمع کرده ام. میخواستم جواب این آقا را بدهم. این آقا راست میگوید که هم رهبرمان خوب است و هم رئیس جمهورمان چون که دختران ما را میدزدند و به خدمت حاکمان عرب میبرند! اینها مفت خوردند و چپاول کردند و جنایت کردند ولی کارگری که هنوز سه ماه و شش ماه حقوقش را

نگرفته و برایش بن نداده اند و هنوز خودش و خانواده اش دارد گرسنگی میکشد باید اینها را دوست داشته باشند! این آقا از کدام قانون حرف میزند به من نشان بدهند این قانون را! کسانی که ظاهرا توی جبهه رفته و از سپاه و از خودشان بوده اند و البته در پشت جبهه فقط خورده و خوابیده و دستور کشتن و کشته شدن داده بودند الان ستاره و قیبه و تیمساری گرفته اند و آن ارتشی استوار که از همان اول زحمت میکشیده و دلش هم با اینها نبوده همچنان بعد از بیست سال هم استوار ارتش مانده است. فکر نکن که نمیدانیم و ندیدیمت! وقتی جوانان مردم را میکشند تو پشت خاکریزها قایم شده بودی. راستش را بیا بگو چنتا از این جوانان را به گوشت دم توپ این رهبران مورد علاقه فرستاده بودی و چند تا ستاره و غیره برای این جوانان بخون خفته مردم گرفته ای که اینقدر رهبرت را دوست داری! خانم دانشفر آیا من میتوانم يك اسم مستعار برای خودم بگذارم؟ من سه تا اسم میگویم و شما هرکدام را که راحت در ذهن شما میماند برای من انتخاب کنید و من بعد از این با این اسم میام. پلنگ صحرا - هینگ دریا - طوفان انقلاب. اگر شما انتخاب نکنید من خود اسم را میگذارم پلنگ صحرا و لطفا بعد از این مرا به این اسم بشناسید. خانم دانشفر تمامی دوستانی که آنتن نداشتند داریم کمک میکنیم که آنتن بخزند و پای این برنامه ها بیایند. بامید خدا و بامید شما این رژیم را سرعت بزیر میکشیم.

کارگری از شیراز

انتقام آگاهانه

خانم دانشفر دوباره تماس گرفتم دوباره سلام. من امیدوارم که همه مردم ستم دیده ما بتوانند روز محاکمه اینها را ببینند، و درست است که ما به اعدام و شکنجه اعتقاد نداریم و نخواهیم داشت ولی اینها را به اشد مجازات محکوم کنیم. اینها خوب خبر دارند که زنان این مردم چگونه بخاطر تهیه خرج شکم بچه هایشان به تنفروشی مجبور میشوند ولی مشکل اینها اینست که احساس انسانی ندارند که چنین بیچارگی را که بر سر مادران و دختران این مردم زحمتکش میاورند درک کنند! از یکطرف مردم را با هزار نوع مشکل مالی و کاری و

بیکاری و اعتیاد و تنفروشی و زندان و شکنجه و اعدام در فشار قرار میدهند و از طرفی هم با زور اسلحه و چماق و چاقو آزادیشان را سلب میکنند و اجازه نمیدهند که دردها را بگویند و فریاد زنند! و همین است که بجایی که زندگی کنیم زجرکش میشویم و افسرده میشویم و میتراکیم و عمرمان به تباهی میرود. اینها مذهب را برای خودشان سپر بلا کرده اند و خوب میدانند که با این ابزار دین و مذهب چگونه خون مردم را بشیسه کنند. اینها با این کارها میخواهند ما را کور کنند تا به آرزوها و آرمانهای خودشان برسند اما خوشبختانه مردم ما بسیار آگاهند و دست اینها را خوب خوانده اند و خوشبختانه تلویزیونی مثل کانال جدید دارند و میتوانند دردها و فریادهایشان را بگوش همه همدلان خود برسانند و با برنامه های خوب شما هم به آگاهی شان افزوده کنند. ما مردم باید دست در دست هم دهیم و آگاهانه انتقام خودمان را از این رژیم بگیریم. ممنون از شما و برنامه های خوبتان.

زنی از ایران

بنام کانال جدید از حقوق کارگران و انسانیت دفاع میکند

بله منم حرفهایم را میگذازم کنار حرفهای شما و میگویم که باید این جنایتکاران محاکمه شوند آنها هم در دادگاههای مردمی آنها کاملاً با حقوق انسانی و بشری. در جواب آن آقایانی که میبایند و میگویند که هر حکومتی و هر رهبر و هر آدمی اشتباه هم دارد باید بدانند که مردم اینها را اعدام و شکنجه نخواهند کرد اما اینها را بهیچوجه نخواهند بخشید. آنهايي که میگویند ما کارگرم و کارگران این رهبران را قبول دارند باید بگویم که من خودم کارگر هستم و چند سال بخاطر مبارزات حق طلبانه مان زندانی و شکنجه هم شده ام و اکنون پیغام من به طبقه کارگر مخصوصاً به کارگران کوره پزخانه ها و کارخانه ها و کلا به هر کسی که بعنوان کارگر در هر جای ایران کار میکند اینست که دهها کانال تلویزیونی است و هرکدام ادعای حق طلبی دارند ولی بدانید که اینبار فقط يك کانال بنام کانال جدید از حقوق کارگران و انسانیت دفاع میکند و برای آرمان انسانی میجنگد. کانال جدید تلویزیون ما کارگران است و اینبار حزبی بنام خود ما کارگران بنام کمونیست کارگری

فعال است و امیدوارم که ما کارگران این کانال و این حزب را انتخاب کنیم. تمام کارگران جهان باید صف خودشان را بشناسند و بطور آگاهانه حقوق اجتماعی خودشان را بشناسند و ما کارگران ایران باید آگاهانه به دور همین حزب جمع شویم و بطور متحد و متشکل با این رژیم مبارزه مان را پیروز کنیم. ما کارگران دیگر نباید گوش به خرافات و پرچم من و خاک من و مذهب من و دین و قبیله و قوم من ندهیم بلکه ما همه انسانیم و همه يك درد داریم آنها سرمایه داری و این رژیم است. آخر کارگران چطور میتوانند به میهن و پرچم و خاک وطنی خودشان فکر کنند در صورتی که در همین میهن و در همین خاک و توسط همین هموطنان ایرانی سرمایه دار و جنایتکار استثمار و نابود میشوند! آخه با شکم گرسنه کودک و جگر گوشه ات و با مریضی بی درمانی و بی دکتری و بی تامینی این پرچم و این میهن چه معنایی دارد! ای آقای که میبایستی به خط و میگرایی کارگران این دولت و این حکومت را میخواند، شما اگر اگر انسانید و انسانیت و انصاف را قبول دارید شما هم تلویزیونهایتان را باز کنید بروی مردم، روزنامه هایتان را باز کنید و ما هم بیاییم حرف بزنیم. خجالت بشکید که خرافات نماز جمعه هایتان را بخورد طبقه کارگر میباید! خانم دانشفر من معذرت میخواهم که وقت شما را زیاد گرفتم. امیدوارم ما کارگران و ما مردم بزودی همه این حاکمان جنایتکار را با اتحاد مان بزیر بکشیم ولی اعدام نکنیم اما بطور انسانی محاکمه شان کنیم. دستتان درد نکند از این کانال جدید.

کارگری زندان کشیده از ایران

گرانی بیداد میکند، راه حل چیست

برنامه ای از اصغر کریمی

زندگی را برای همگان می خواهیم الو، سلام علیکم. ما هر هفته برنامه ها را دنبال میکنیم و الان هم گفتار شما را بدقت دنبال کردیم، شما همه نکات را بدقت توضیح دادید و دیگر چیزی نمانده که از قدرت ضد مردمی رژیم اسلامی بگویم، و راه حل هم

از صفحه ۷ صدای مردم در کانال جدید ...

دقیقا همین است که شما فرمودید که بایستی تمام آزادیخواهان مردم ایران مخصوصا مردم کم درآمد مثل طبقه کارگر و معلمان و پرستاران همدیگر را پیدا کنیم و یک سازمانی تشکیل دهیم و برهبری حزب کمونیست کارگری آنهم کاملا بطور متحد و متشکل جانفشانی بکنیم وگرنه همینطوری که هر روز قطره قطره آب میشویم و میمیریم مطمئن باشیم که بعد از این از این هم بدتر خواهیم بود. معضل گرانی که شما طبق اعلام بانک مرکزی آنهم در این مدت یکسال مطرح کردید الان دیگر روز به روز اتفاق میافتد بطوری که هر بنگاه و هر سندیکایی که خود اینها برای منافع خودشان درست کرده اند دارند یکسری اجناس مخصوصی را گران میکنند و آنوقت ما کارگران بیچاره هم که بایستی بفکر یک لقمه نان خانواده اینهمه کار بکنیم و مشقت بکشیم یکدفعه میبینیم که قیمت اجناس نسبت به دیروز بالا میروند. مثلا در آن واحد یکمرتبه میبینیم که جنس پانصد تومانی شد هفتصد تومان! بعد چند قدم آنطرفتر در مغازه دیگری میگویند هشتصد تومان! همینطور میبینیم که آنچنان بی قانونی حاکم شده که تمامی سنگینیش هم بر دوش کارگران و طبقه زحمتکش جامعه تحمیل میشود و اما سود حاصل از این گرانی را هم خودشان و دارو دسته خودشان، و تاحدودی هم جیره خوارانی که امام خمینی کلید بهشت را بر گردن اینها انداخت و بخاطر منافع خودشان فرستادشان جبهه و جنگ، میبرند. بطور کلی این مملکت مال اینهاست و اما در برابر این چند درصد حاکمان جامعه هم ما حداقل ۴۰ میلیون انسان تولیدگر و زحمتکش میبینیم که با سختی دارند جان میکنند و بعوض زندگی کردن صرفا زنده میمانند و هر روز هم بمور قطره قطره میمیرند. بنظرم از این ۴۰ میلیون نفر بایستی که ۲۰ میلیون نفرمان سازمان را بلند کنیم و بطور متحد و متشکل آنهم برهبری همین حزب مان به جبهه این حاکمان و حاکمیت یورش ببریم. آخر الان دیگر همه دنیا و جامعه میدانند که این کانال جدید هر شب دارد نقطه نظرات سیاسی را مطرح میکند و تمام کارگران و معلمین و زنان و

جوانان را آگاه میکند و هر روز بهتر و مسئولانه تر از روز قبل نشان میدهد که مردم ایران بدون رهبر نیستند و حزب سیاسی خودشان را دارند. لذا با این پیشگامان میلیونی صددرصد میتوانیم از شر اینها راحت شویم و جامعه سوسیالیستی و مردمی و شورایی خودمان را برقرار کنیم. اگر ما یکدفعه ۱۰ میلیون نفر بریزیم توی خیابانها آنوقت دیگر هیچ قدرتی نمیتواند ما را بکشد و اعدامان کند. درست است که مردم زحمتکش ایران الان کانال تلویزیون و صدای خودشان را دارند و همدیگر را باخبر میکنند اما الان در کانال جدید با ۲ دقیقه حرف زدن که نمیتوانیم اینهمه بدبختی و بیچارگی را به گوش جهانیان و مردم ایران برسانیم! لذا بهتر اینست که بلند شویم و همت کنیم و کار اینها را تمام کنیم. آخر این چه مملکتی هست که هیچ قانونی نیست و اسلحه را داده اند به دست آدم نادانی که در مقابل انسانهای عاقل و عادل سینه سپر میکند و زور میگوید. همه میدانند که اینهمه بودجه برای اداره جامعه یعنی سرکوب کارگران و مردم و زحمتکش است آنهم برای سود و امنیت و چپاول حاکمان و دارو دسته شان. ... اما باوجود این ما باید مطمئن باشیم که اگر بطور متحد و متشکل به رهبری این حزب بلند شویم، آنوقت میبینیم که اینها هیچکاری نمیتوانند بکنند. بسیار ممنونیم از نقطه نظرات خوب و عاقلانه تان و شما هم بدانید که ما واقعا به همین نقطه نظرات شما زنده هستیم. درضمن خیلی ببخشید که بخاطر نداشتن سواد کافی نتوانستم نقطه نظراتم را مختصر و مفید بیان کنم فقط سعی میکنیم که طبق همان انسانیت و رحم و مروتی که در ذات انسانی ما وجود دارد نکته های ما را که میدانم حرفهای همه این مردم زحمتکش هست بیان کنم. ما زندگی را برای همگان میخواهیم. زنده باد پیروزی

مردی از ایران

خودشان می تواند

با ۱۲۰ هزار تومان زندگی کنند؟

سلام آقای کریمی. خسته نباشید. من درد دلی برای شما دارم. اولاً الان ده روز است که در منزل افتاده ام و امکان دکتر رفتن ندارم یعنی پول ندارم که به دکتر بروم! امکان اینکه

دوانده اند، و من اینرا مطمئنم که هیچ آفتی اینها را از بین نمیرد! الان سی سال است که این حرفها را میشنوم و هی به خودم تلقین میکنم که اینها سال دیگر و سال بعدی میروند، اما الان سی سال گذشته است ولی هنوز هم در تلویزیونشان فیلم جنگ میبینیم! فیلم انقلاب که من هیچ نقشی در آن نداشتم حالا چرا باید هر شب این صحنه ها را ببینیم! آخه انقلابی که من نمیخواستم، حالا بعد از سی سال آنهم بدون کوچکترین سرگرمی و تنوع و دور هم نشستن و مسافرتی که پول هیچکدامشان را هم ندارم بلکه فقط دلم را خوش کرده ام به این تصویر تلویزیون، چرا باید هر شب بازم این جنگ و انقلاب را ببینیم! سی ساله که هی میبینم این انقلاب تازه تر میشه و جوان تر میشه! شما لطفا کمکمان کنید.

زنی از تهران

به رهبری شما دل بسته ایم

سلام علیکم، خسته نباشید. نظر من آقای کریمی جز بیچارگی و بدبختی چیزی نیست! آخه از کجا بگم و از چی نظر بدهم! یک پسر ۲۷ ساله دارم یکجور گرفتارست! پسر دیگر مستاجری دارم که او هم یکجور گرفتارست! درختری دارم که نمیتوانم پول دانشگاهش را جور کنم! دیگر مملکت شده همه اش آخ و واخ! و دیگر ماه و خورشید در آن گم شده! شماها را میبینیم یک امیدید برای ما! همیشه توی تلویزیون و جامعه میدیدم اینهمه آپارتمانهایی که رفته هوا، رو به آسمان میگفتم که خدایا پس چرا ما بی کسیم! پس چرا برای ما دلخوشی نیست! چرا رفت و آمدها قطع شده! خب! معلوم است بخاطر نداری! الان تنها آرزوی پسر ۲۷ ساله من مردن است! یک مغازه کوچکی راه انداخته اما نمیتواند چند تا جنس بگذارد و بفروشد! آقای کریمی خیلی حرفها داشتیم! اما از بدبختی و مشکلات زیاد عصبی هستم یاد رفت و میدانم چی بگویم! من چند وقت پیش گرفتار شده بودم و دو دفعه کارم افتاد به دادگاهها و حتما پامال شد! دخترم با مردی شوهر کرد که نامرد از آب درآمد و ۴ تمام سال رفتیم و آمدیم ولی آخر چجور بشما بگم! اگر با آنها نمیخندیدیم کارمان بدتر هم میشد که بهتر نمیشد! آخه چی بگم آقای

کریمی! باور کنید که الان برنامه شما را دیدم خوشحال شدم من کلی حرف داشتم نمیدانم چی بگویم! واقعا خیلی گرفتاریها دارم که نمیتوانم بگویم. الان یک پسر مرد ۷۸ ساله دارم که شوهرم است و با او یکجور بگو مگو داریم آنهم فقط از روی نداری! فقط شب که میخوابیم آرزو میکنیم که صبح که بلند میشیم نابودی اینها را ببینیم به حق علی! فقط شکم خودشان از بس سیر است که از گرسنگان اصلا خبری ندارند! آقای زنگنه میگوید (که ایران بقدری ثروت دارد که جلوی در خانه هر کسی ۳ تا ماشین هست). بر پدر دروغو لعنت! بر پدر دروغو لعنت که بچه ۲۷ ساله من وقتی هم سن و سالان ماشین دار و مرفه خودش را میبیند غصه میخورد و حتی یک دوچرخه هم ندارد! ما در این خانواده ۴ نفریمان یک دوچرخه نداریم! اما حتما اینها همه شان ۳ تا ماشین دارند که اینجور میبینند! بله اگر ما هم میداشتیم حتما راضی بودیم. شوهر من الان از بابت دندان مشکل و بدبختی میکشد ولی نمیتواند برود دکتر و خود منم که الان چلاقم و پایم درد میکند نمیتوانم بروم دکتر! هر اداره ای که کار و بارت میافتد یک ورقی میدهند دست آدم و از این اتاق به آن اتاق آدم را دیوانه میکنند! همه شان هم نامردند و یکی را نمیبینی که مرد و انصافی داشته باشد! من همیشه میگویم که شمر توانست امام حسین را بکشد ولی توانست این دین را از بین ببرد! این ملجم هم علی را کشت بازم توانست این دین را از بین ببرد ولی این ملاهای بی دین بقدری خوب توانستند این دین را بدست بگیرند که اندازه ندارند! به امید یاری و رهبری شما دل بسته ایم.

زنی از آذربایجان

ما در جهنم و آنها در بهشت

الو! سلام خسته نباشید. عرضم حضورتان اینکه آقای کریمی من زنگ زده ام که فقط با شما درد دل کنم. من فقط از آقای خامنه ای و کل مستولان یک سوال دارم. من نه طرفدار شما هستم و نه طرفدار حکومت هستم ولی فقط زنگ زده ام اینرا بگویم که ببینید ما الان سه دانشجو هستیم و ترم هفتمیم و با خون دل داریم درس میخوانیم. یعنی واقعا دارد اشک از چشمانم میاد

از صفحه ۸ صدای مردم در کانال جدید ...

بیرون! واقعا ما را بیچاره کرده اند. من گردنبندی که یادگار زندگی بوده فروخته ام و توانسته ام با دوستان هزار تومان رهن و صدو نود هزار تومان يك اتاق ۳ در ۴ کرایه کنم! کی میخواهد درد دل ما را جواب دهد! اینهمه بهشت و جهنمی که میگیرند خب ما در جهنمش زندگی میکنیم و آنها در بهشتش! به امام حسین قسم به خدای بالای سرمان قسم به امام علی قسم ما سه شبانه روز است که غذا نخورده ایم! تا شنیدیم که يك کانالی بنام کانال جدید است بخدا از یکی از دوستان کمک گرفتیم که صدام را برسانم. من خیلی کانالها را دیده ام و مسئله سکه و پولش نیست فقط خواستم دردم را بگویم تا مردمی که مثل من واقعا دلشان میسوزد بشنوند. بخداوندی خدا قسم توی دانشگاه فقط يك فقره ناهار میدهند که آنهم معلوم نیست که داخلش چی میریزند! ما حتی پول آنرا هم نمیتوانیم جور کنیم و بدهیم! من دیگر از پدر و مادرم خجالت

سوال مرا بدهد. من دیگر رویم نمیشود بگویم ولی خب اسم را معرفی نکرده ام میگویم، ما شبها میرویم بیرون و از زباله ها دنبال چیزی میگردیم که شاید با شکم گرسنه نخوابیم! اما اسم ما دانشجوی مملکت است! دانشجوی این مملکت یعنی مرده! یعنی بدبخت! يك اتاق ۳ در ۴ که تویش هیچ چیز نیست! کاشکی يك دوربینی بود و یکی میتونست وضع زندگی ما را میدید. باور کنید سه تایی توی يك پتو میخوابیم. پدر من کارمند است و پدر این دوستم کشاورز و پدر دوست سوم هم بازنشسته است. بخدا ما ندانیم که از بابا و مامان چه جوری پول بگیریم! برای ما هفت ترم گذاشتند ولی فقط برای يك ترم خوابگاه میدهند! تازه این وضعیت برای دانشجویان پسر است وای بحال دختران دانشجو که آنها هم خود فروشی میکنند. يك دانشجو از ایران

راه حل بیکست: سونگون کردن این رژیم کثیف

کنیم. خسته شدیم از این وضع و روبروز داریم فقیر تر و بیچاره تر میشویم. باید بلند شویم و انقلابی بکنیم و بهرحال باید هزینه و تلفاتی هم بدهیم! خب ما که بلند نشده و انقلاب نکرده داریم هر روز بدتر از روز قبل تلفات میدهیم و ناله میکنیم پس چه بهتر که همت کنیم و حرکتی کنیم. همین دانشجویان درست مثل بچه خود من درس خوانده اند! الان کار نیست و بچه من نشسته است خانه. يك کاری گیر آورده بود اما دید که فقط پول کرایه ماشین است و پول يك وعده غذایی آبکی! الان هم افسرده افتاده توی خانه! همه دردهای مردم ما یکیکست و راه حلش هم یکیکست آنها انداختن این رژیم کثیف است. دیگر روحیه نداریم و همه چیزمان را باخته ایم! دیگر باید بلند شویم.

زنی از ایران*

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

کارگران نیشکر هفت تپه

در مجمع عمومی خود اعضای هیئت مدیره سندیکای خود را انتخاب کردند

ها و جمع های کارگری تشکیل سندیکا را به کارگران تبریک گفته اند.

حزب کمونیست کارگری تشکیل سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را به کارگران شرکت نیشکر هفت تپه صمیمانه تبریک میگوید و همه کارگران دیگر مراکز کارگری را به ایجاد تشکلهای خود فرا میخواند. حزب کمونیست کارگری همچنین تاکید میکند که هر تشکل کارگری تنها در صورتی توان نمایندگی کارگران را دارد که بر پایه مجمع عمومی و مشارکت فعال و دسته جمعی کارگران متکی باشد. حزب سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را بر بانی منظم مجمع عمومی کارگران و بحث و تصمیم گیری در مجمع عمومی فرامیخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ اکتبر ۲۰۰۸، ۴ آبانماه ۱۳۸۷

حیدری مهر ۳۰۲ رای ۹- قربان علیپور ۲۸۴ رای. با پیگیری ها و تلاش کارگران انتخابات با نظم کامل و عادلانه برگزار شد. گزارش تکمیلی و اسامی اعضای البدل به زودی اعلام خواهد شد.

هیئت موسس سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه چهارشنبه یکم آبان ماه ۱۳۸۷

بنا به خبر دیگری که در سایت "اتحادیه آزاد کارگران ایران" درج شده است، ۵ نفر به نامهای سید مهرداد عباسیان، جانمحمد خدادادی، ابراهیم امیری، رضا سعدی و حسن زهیری نیز به عنوان اعضای علی البدل هیئت مدیره سندیکا انتخاب شده و دو نفر دیگر به اسامی محمود آل کثیر و علی راد احمدی نیز به عنوان بازرسهای سندیکا انتخاب شده اند.

بدنبال ایجاد سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، تعدادی از تشکل

موجود در کارخانه بیش از هزار نفر از کارگران در این رای گیری شرکت کردند.

در طی مدت رای گیری نیروهای امنیتی حضور پر رنگی داشتند اما برخورد خاصی صورت نگرفت.

در این انتخابات اعضای هیئت مدیره به شرح ذیل انتخاب شدند:

۱- فریدون نیکو فرد ۹۱۹ رای
۲- نجات دهلی ۶۶۷ رای ۳- علی نجاتی ۵۷۸ رای ۴- رحیم بسحاق ۵۴۰ رای ۵- جلیل احمدی ۳۹۸ رای ۶- علی شریفی ۳۹۴ رای ۷- رضا رخشان ۳۵۲ رای ۸- محمد

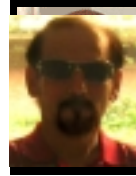


WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

در حاشیه رویدادها



محمد رضا پویا

جنگ "انتخابات"

جنگ جناح‌های رژیم اسلامی بر سر تصاحب کرسی ریاست جمهوری چند ماهی است که آغاز شده است. هر دو جناح عمده جمهوری اسلامی تاکنون نتوانسته‌اند در جبهه خود حول یک کاندیدای واحد به توافق برسند. اوضاع جناح راست از این بابت بسیار آشفته تر از دوم خردادها است.

مضمون سیاسی جدالهای کنونی جناح‌ها حول "انتخابات" پیش رو، حفظ نظام، مقابله با بحران سیاسی و جنبش سرنگونی مردم است. کشمکش باند های مختلف حاکمیت اسلامی بر سر رابطه با غرب و چگونگی رودرویی با بحران اقتصادی تماما در زیر تیتر حفظ نظام می‌گنجد. سه سال پیش جریان راست با یک ائتلاف بزرگ توانست احمدی نژاد را بر صندلی "ریاست" بنشانند و جریان شکست خورده دوم خرداد را از حکومت بیرون کند. از نظر راست ادامه جنگ جناح‌ها، توان رژیم برای مقابله با اعتراضات مردم را کاهش می‌داد و لذا راست برای مقابله با مردم نیازمند یک حکومت یکدست تر بود.

دولت احمدی نژاد که با وعده سرکوب مردم و بازگشت به دهه خونین شصت بقدرت رسیده بود، بسرعت حمایت بخشی از جناح راست را از دست داد. احمدی نژاد

علیرغم گسترش سرکوب و راه انداختن اعدام‌های خیابانی، نتوانست مانع ادامه اعتراضات مردم شود. با هیچ درجه توحش، باند احمدی نژاد موفق به متوقف کردن جنبش سرنگونی مردم نگردید. اعتراضات خیابانی و اعتصابات کارگری ادامه یافت، بحران اقتصادی بگونه ای عمیق‌تر شد که حیات فیزیکی میلیون‌ها نفر را به خطر انداخت. پلاتفرم احمدی نژاد شکست خورد. این شرایط بخشی از "عقلای" راست را بوحت انداخت و موجب گردید تا از جناح احمدی نژاد فاصله بگیرند. کشمکش و دعوی درونی جناح راست کماکان ادامه دارد. ۹ وزیر از دولت احمدی نژاد بر کنار شدند. نفر دهم یعنی علی کردان هفته آینده در مجلس استبضاح میشود که احتمالا این یکی هم جزو تلفات درگیری های جناح راست خواهد بود.

بر متن این شرایط، جناح راست رژیم بر سر مسله "انتخابات" دچار انشقاق و انشعاب گردیده است. تعدد کاندیداهای راست در "انتخابات" نشان میدهد که در این دوره توافق عمومی برای حمایت از یک کاندیدای در جناح راست وجود ندارد. محبیبان ایدئولوگ جناح راست متوهم است که تصور میکند ورود خاتمی به "انتخابات" باعث انسجام در جبهه راست خواهد شد. حتی رقیب دیرینه خاتمی در جناح راست یعنی ناطق نوری امروز "مصلحت" را در کنار گذاشتن احمدی نژاد میبیند.

اما وضعیت و شرایط دوم خرداد چگونه و به چه شکلی است؟ بخش عمده ای از احزاب دوم خرداد تلاش میکنند خاتمی را مجدداً به صحنه بازگردانند. از نظر آنها او تنها کسی است که میتواند عامل وحدت سیاسی جبهه دوم خرداد گردد و از فیلتر شورای نگهبان عبور کند. جبهه دوم خرداد پلاتفرم "اصلاح رژیم" سال هفتاد و شش خود را کنار گذاشته است. در تبلیغاتشان دیگر اثری از "جامعه مدنی" و "ایران برای همه ایرانیان" نیست. حتی دیگر تقاضای بازگشایی روزنامه هایشان را هم نمی‌کنند. دیگر مقابله با خامنه ای و جناح راست در دستور کارشان نیست. لایه های میلیتانت تر دوم خرداد در روز شکست این پروژه جمعا به جبهه پرو غرب پیوستند و پیشبرد پلاتفرمشان را از آنجا دنبال میکنند. در یک کلام، جبهه دوم خرداد امروز در هیچ سطحی به دهسال پیش خود شبیه نیست و نمی‌تواند در هیچ عرصه ای به سال ۷۶ رجعت کند. شکست تلاش دوم خرداد در ایجاد "اصلاحات" در بالای حکومت نشان داد که ساختار رژیم اسلامی تاب و تحمل هیچگونه تغییری را حتی بشکل فرمال هم ندارد و هر گونه تلاشی از این قبیل پایه های رژیم را به لرزه در می‌آورد.

دوم خرداد امروز بر متن انشقاق جناح راست و شکست پروژه احمدی نژاد شانس بازگشت خود به قدرت را می‌بیند. به همین علت هم تمامی گروه های دوم خردادی به دور خاتمی حلقه زده اند و تلاش میکنند خاتمی را به شرکت در "انتخابات" قانع کنند. اما پلاتفرم کنونی دوم خرداد تفاوت اساسی با جناح راست ندارد. اگر بقدرت هم برسند، نسخه

متفاوتی برای ارائه ندارند. جنبش سرنگونی طلب مردم و حزب کمونیست کارگری راه را بر همه جناح های رژیم بسته اند. رژیم اسلامی "ثبات" سیاسی را تجربه نخواهد کرد. ما اجازه نمی‌دهیم، مردم نمی‌گذارند.

ثروت رژیم اسلامی و فقر مردم

دوران درو کردن درآمد های سرشار نفتی بسر آمد. میلیاردها دلار حاصل از افزایش بی سابقه قیمت نفت در یک چشم بر هم زدن توسط سران رژیم به یغما رفت. هیچ حساب و کتاب حتی فرمالی هم وجود ندارد که نشان بدهد این همه پول و سرمایه به کجا رفته است. نمایندگان مجلس اسلامی علی الحساب یک فقره سی میلیارد دلاری را رو کرده اند که میگویند از "خزانه" دولت غیب شده است.

محاصل افزایش ثروت جامعه برای کارگران و اکثریت شهروندان جامعه، فقر و نیستی بوده است. در همان هنگامی که نفت از بشکه ای سی دلار به بشکه ای صد و چهل دلار رسید، کارگران حتی از دریافت حقوق ماهیانه خود محروم شدند. بیکاری افزایش یافت و تامین امنیت شغلی به مرز صفر رسید. هر چه دولت اسلامی و سرمایه داران از ثروت جامعه فریه تر شدند، اعتیاد و تنفروشی و گرسنگی علنی و رسمی در کشور رو به ازدیاد گذاشت. دزدان رژیم اسلامی در روز روشن میلیاردها دلار را به جیب زدند، تروریست های اسلامی خاورمیانه را

صدا کردند و بی دریغ میلیونها دلار را به جیبشان ریختند، فرماندهان سپاه هر کدام با پول مردم در نقطه ای تراستهای مالی بره انداختند، گله امام جمعه ها خزانه های شهری را خالی کردند، سهم امام دادند، میلیاردها دلار املاک و مستغلات در دبی خریداری کردند، به جیب نیروهای نظامی و امنیتی ریختند تا بیشتر بجان مردم بیافتند. سهم مردم در این میان فقر و گرسنگی و بی تاملی بود. حالا دزدان جمهوری اسلامی اعلام میکنند که بحران است، قیمت نفت پایین آمده است، خزانه دولت خالی شده است، از مردم میخواهند که گرسنگی بیشتری بکشند، به کارگر میگویند بیشتر کار کن و آخر ماه طلب دستمزد نکن. میگویند تکانهای بزرگ اقتصادی در راه است، بیکاری بیشتر میشود، از مردم میخواهند که تحمل کنند.

اما مردم کیفر خواست خود را بر علیه جانیان و دزدان جمهوری اسلامی مدتهاست که اعلام نموده اند. کارگران با اعتصابات خود به آدمکشان اسلامی نشان دادند که تسلیم شرایط بردگی آنها نخواهند شد. اعتراضات مردم بر علیه دزدی های آیت الله های رژیم، عزم مردم برای بزیر کشیدن نمایندگان دستگاه جنایت اسلام سیاسی را بنمایش گذاشت. تمایل گسترده و اشتیاق مردم به تلویزیون کانال جدید حزب کمونیست کارگری شور و شوق جامعه برای تغییر و خلاصی از جمهوری اسلامی را به اکران عمومی در آورد. همین همین نیرو رژیم اسلامی را بزیر خواهد کشید. *

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com

نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com

سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آر ش ناصر

... دنیا بدون فراخوان

سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم

و بدون "خطر" سوسیالیسم

به چه منجلا بی بدل میشود!